

توضیح قواعد درس ششم عربی ۱۱ مشترک **تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲)**

در درس پنجم بیان کردیم که حروف «آن، گئی، ل، لگی، حتی» برسر فعل مضارع می آیند و معنی آن را به معادل مضارع التزامی فارسی تبدیل می کنند در ادامه در این درس می خواهیم به دو حرف دیگر «ل (امر)» و «لا»ی نهی اشاره کنیم که همین کار را انجام می دهند و بعد از آن حرف «لم» را توضیح دهیم که برسر فعل مضارع می آید و معنی آن را به «معادل ماضی منفی فارسی» تبدیل می کند.

**شناخت معادل فعل مضارع التزامی در عربی و ترجمه آن**

**الف -** اگر حرف «ل امر» برسر فعل مضارع بیاید به معنی «باید» است و فعل مضارع بعد آن معادل «مضارع التزامی فارسی» ترجمه می شود. «ل امر» + مضارع اول و سوم شخص ← نباید + معادل مضارع التزامی فارسی  
مانند: نَرَجِعْ: برمی گردیم / لِنَرَجِعْ: باید برگردیم. / يَعْلَمُونَ: می دانند / لِيَعْلَمُوا: باید بدانند  
**نکته ۱:** ترجمه فعل امر اول و سوم شخص، در اصل همان ترجمه «فعل مضارع» است.  
**نکته ۲:** «ل امر» علاوه بر تغییر در معنای فعل مضارع در ظاهر آن نیز تغییر ایجاد می کند یعنی آخر آن را ساکن «ـ» و «نون» را از آخر فعل مضارع حذف می کند (به جز نون جمع های مؤنث).

**نکته ۳:** ترجمه فعل امر مخاطب یا دوم شخص را در عربی نهم ص ۳۳ و ص ۴۳ خواندید اکنون می خواهیم

تَصَدِّقْ: راست می گویی / أَصْدُقْ: راست بگو / تَرَحَّمُونَ: رحم می کنید / اِرْحَمُوا: رحم کنید

**ب -** اگر حرف «لا»ی نهی بر سر فعل مضارع اول و سوم شخص مضارع بیاید، به معنای «نباید» است و فعل مضارع بعد آن به صورت معادل «مضارع التزامی فارسی» ترجمه می شود.

«لا»ی نهی + مضارع اول و سوم شخص ← نباید + معادل مضارع التزامی فارسی  
مانند: يَسْخَرُ: مسخره می کند / لَا يَسْخَرُ: نباید مسخره کند

يَغْتَابُ: غیبت می کند / لَا يَغْتَابُ: نباید غیبت کند

يُسَافِرُونَ: سفر می کنند / لَا يُسَافِرُونَ: نباید سفر کنند

**توجه کنید:** ترجمه «لا»ی نهی «برسر فعل مضارع دوم شخص را، در عربی نهم ص ۵۳ و ص ۶۴ خواندید.

«لا»ی نهی + مضارع دوم شخص ← معادل فعل نهی فارسی

مانند: لَا تَكْذِبْ: دروغ نگو / لَا تَخْرُجْ: خارج نشو / لَا تَكْشِفُوا: آشکار نکنید / لَا تَبْتَعِدُنْ: دور نشوید

**ترجمه فعل مضارع به صورت ماضی ساده منفی و ماضی نقلی منفی**

اگر برسر فعل مضارع حرف «لم» بیاید، معادل «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلی منفی» فارسی ترجمه می شود.

مانند: يَسْمَعُ: می شنود / لَمْ يَسْمَعْ: نشنید، نشنیده است / يَشَاهِدُونَ: می بینند / لَمْ يَشَاهِدُوا: ندیدند، ندیده اند

تَذْهَبُونَ: می روید / لَمْ تَذْهَبُوا: نرفتید، نرفته اید / تَكْتُبْنَ: می نویسید / لَمْ تَكْتُبْنَ: ننوشتید، ننوشته اید

**نکته:** حرف «لَم» علاوه بر تغییر در معنای فعل مضارع در ظاهر فعل مضارع نیز تغییر ایجاد می کند. یعنی ضمّه آخر فعل مضارع را به ساکن «َ» تبدیل می کند و «نون» آخر آن را حذف می کند (به جز جمع های مؤنث).

**چند نکته درباره حروف «لَم، ل، لا»**

**نکته ۱:** به حروف «لَم، ل، لای نهی»، حروف جازمه می گویند.

**نکته ۲:** در زبان عربی فعل ها به ماضی، مضارع، امر تقسیم می شوند بنابراین فعل های مضارع اخباری، مضارع التزامی مستقبل (آینده)، فعل نهی، ل (امر) زیر شاخه فعل مضارع قرار می گیرند و همان فعل مضارع هستند.

**نکته ۳:** دقت کنید «لَم = ل (حرف جر) + ما (اسم استفهام)» به معنی چرا، برای چه «کلمه پرسشی» است که بر سر فعل ماضی و مضارع می آید ولی «لَم»، حرف نفی است که فقط بر سر فعل مضارع می آید و معنی آن را به «ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی» تبدیل می کند. در ترجمه اشتباه نکنید.

**نکته ۴:** دقت کنید گاهی آخر فعل مضارعی که بر سر آن «ل امر» یا «لای نهی» آمده و بعدش اسم دارای «ال» می آید ساکن «َ» نمی شود بلکه جهت خواندن، کسره «ِ» می گیرد که به آن «کسره عارضی» می گویند.  
مانند: لَا تَسْتَشِرِ الْكُذَّابَ. با دروغگو مشورت نکن. عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ. مؤمنان تنها باید بر خدا توکل کنند.

چون یکی از سوالات کنکور سراسری معمولاً در باره انواع «ل» و انواع «لا» است، باید آن ها را درست بشناسیم تا بتوانیم به سوالات تستی ترجمه و قواعد پاسخ صحیح دهیم لذا به توضیح بیشتری درباره آن ها می پردازیم.

**شناخت انواع «ل» و ترجمه آن ها :**

۱- «ل» بر سر اسم یا «ل» حرف جرّ ۲- «ل» بر سر فعل مضارع

۱- «ل» بر سر اسم به سه شکل ترجمه می شود:

الف - «مال، از آن»

لَمَنْ تِلْكَ الشَّرِيحَةُ؟ آن سیم کارت مال کیست؟

لَمَنْ هَذِهِ التَّمَاثِيلُ؟ این مجسمه ها مال کیست؟ تَمَاثِيلُ مفردش تَمَثَالٌ

ب - «برای»

اِشْتَرَيْتُ حَقِيْبَةً لِلسَّفَرِ. چمدانی برای سفر خریدم. حَقِيْبَةُ جمعش حَقَائِبُ

شَكَّلُوا فَرِيْقًا لِلْحَوَارِ الدِّيْنِيِّ. گروهی برای گفتگوی دینی تشکیل دادند.

ج - «داشتن» یعنی به صورت «دارم - داری - دارد - داریم - دارید - دارند»

لِي شَهَادَةٌ فِي الْحَاسِبِ. مدرک یارانه دارم. (ل + نهاد جمله) / لِلْكَلامِ آدَابٌ. سخن گفتن آدابی دارد.

لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ. هرگناهی جز بد اخلاقی توبه دارد. ل + نهاد جمله

**نکته:** دقت کنید حرف جر «لِ» اگر بر سر ضمیرهای «ه، ها، هُما، هُم، هُن، ک، کِ، کُما، کُم، کُن، نا» بیاید به «لِ» تبدیل می شود به جز ضمیر «ی» که به صورت «لِی» نوشته و خوانده می شود. مانند: وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ.

لَهُ، لَهَا، لَهُمَا، لَهُمْ، لَهُنَّ، لَكَ، لِكِ، لَكُمْ، لَكُنَّ، لَنَا

۲- «لِ» بر سر فعل مضارع به دوشکل ترجمه می شود:

الف - «لِ» به معنی «تا، برای اینکه» ب - «لِ» به معنی «باید»

**طریقه شناخت «لِ» به معنی «تا، برای اینکه» و «لِ امر» به معنی «باید» چیست؟**

۱- «لِ» به معنی «تا، برای اینکه» علت کار را بیان می کند و وابسته به فعل قبل خودش است یعنی قبل آن کاری باید صورت بگیرد تا این «لِ» در جوابش بیاید. به عبارت دیگر «لِ» به معنی «تا، برای اینکه» بین دو تا فعل می آید که فعل دوم وابسته به فعل اول است و معمولاً در وسط جمله می آید اما گاهی در تست ها در اول جمله می آورند که باید از طریق معنی تشخیص دهیم. مانند: جِئْنَا لِنَرِيْ اٰثَارَكُمْ الْجَمِيْلَةَ. (سراسری هنر ۸۵) آمدیم تا آثار زیباییان را ببینیم.

لِأَبْعَدِ نَفْسِيْ عَنِ الْغَضَبِ، حَاوَلْتُ كَثِيْرًا. (سراسری ریاضی ۹۰) خیلی تلاش کردم تا خودم را از خشم دور کنم.

۲- «لِ» به معنی «تا» آخر فعل مضارع را فتحه «َ» می دهد ولی «لِ» به معنی باید آخر فعل مضارع را ساکن «ْ» می کند. مانند: لِنَتَجَنَّبَ مُشَاوَرَةَ كُلِّ مُشْفِقٍ جَاهِلٍ. (سراسری ریاضی ۹۰) باید از مشورت کردن با هر دلسوز نادانی دوری کنیم.

النَّظْمُ فِي الْأُمُوْرِ يُعِيْنُ الْإِنْسَانَ لِيَبْلُغَ مِنْهَا سَرِيْعًا. (سراسری ریاضی ۹۱)

نظم در کارها به انسان کمک می کند تا زودتر به آرزوهایش برسد.

۳- اگر «لِ» بر سر دوم و سوم شخص جمع بیاید شناخت آن فقط از طریق ترجمه در جمله و در متن امکان پذیر است.

يَا بَنَاتِيْ! كَلِّمْنَ الْفَائِزَاتِ فِي الْمُسَابَقَةِ لِتَفْهَمْنَ سِرَّ نَجَاحِهِنَّ. (سراسری هنر ۸۸)

ای دخترانم، با برنده ها در مسابقه صحبت کنید تا راز موفقیت آنها را بفهمید.

الْمُسْلِمَاتُ لِيُوَاجِهْنَ حَقَائِقَ الْحَيَاةِ الْمُرَّةَ بِالتَّفَاوُلِ. (سراسری هنر ۸۸)

زنان مسلمان باید با حقائق تلخ زندگی با خوش بینی روبرو شوند.

۴- «لِ» به معنی «باید» معمولاً در ابتدای جمله می آید و از نظر معنی مستقل است. دقت کنید گاهی جمله اول تمام می

شود و «لِ» در آغاز جمله دوم می آید. مانند: لِنَسْتَمِعْ إِلَى كَلَامِ الْحَقِّ. باید به سخن حق گوش کنیم.

هَذَا الدَّرْسُ صَعْبٌ، لِيَسَاعِدَكَ أَخُوكَ. (سراسری زبان ۸۷) این درس سخت است، باید برادرت به تو کمک کند.

۵- اگر قبل از «لِ»، «وَ، فَ، ثُمَّ» بیاید «لِ» ساکن «لِ» می شود و به معنی «باید» است.

إِنَّ الْأَعْدَاءَ هَجَمُوا عَلَى أَرْضِينَا فَلِنُقَاتِلَهُمْ. (سراسری زبان ۹۳) دشمنان به سرزمین هایمان حمله کردند پس باید با آن ها پیکار کنیم.

۶- هرگاه بعد از منادا یا مبتدا یا فعل قال «لِ» بیاید «لِ امر» است.

قَالَ الطَّائِرُ لِصِغَارِهِ: لَتُفْتَشَّ عَنْ حَلِّ لِهَذِهِ الْمَشْكِلَةِ. پرنده به بچه هایش گفت: باید راه حلّی برای این مشکل جستجو کنیم.

الْأُمَّمُ الْمُسْلِمَةُ لَتَسْتَيْقِظُ مِنَ النُّوْمِ. (سراسری زبان ۹۲) امت های مسلمان باید از خواب بیدار شوند.

إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لِيَعْتَمِدُوا عَلَى اللَّهِ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ (سرسری زبان ۹۲) مؤمنان در همه احوال باید به خدا اعتماد کنند.

۷- «لِ» به معنی «باید» بر سرفعل مضارع دوم شخص نمی آید. بنابراین «لِ» بر سر دوم شخص مضارع به صورت «تا»، برای اینکه» ترجمه می شود. مانند: أَنْصِتُوا لَهُ لَتَفْهَمُوا كَلَامَهُ وَ تَذَرُكُوا عُمَقَهُ. (سراسری ریاضی ۹۰) به او گوش فرا دهید تا سخنش را بفهمید و عمق آن را درک کنید.

توضیح مثال های کتاب درباره شناخت «لِ» به معنی «تا، برای اینکه» و «لِ امر» به معنی «باید» ص ۷۰ و ۷۱

تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمْكِنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامِجِهِمْ. به ترجمه «لِ» دقت کنید

بادوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه هایشان موفق شوند.

تَكَلَّمْتُ: فعل ماضی، متکلم وحده، معلوم، ثلاثی مزید مصدرش تَكَلَّمَ / تَكَلَّمْتُ يَتَكَلَّمُ تَكَلَّمْتُ تَكَلَّمْتُ / مَع: اسم دائم الإضافة / أَصْدِقَاء: مضاف إليه  
أَصْدِقَاء مفردش صَدِيق / صَدِيق = حَبِيب، خَلِيل / أَصْدِقَاء = أَحِبَاء / صَدِيق # عَدُو / أَصْدِقَاء # أَعْدَاء / «ي»: مضاف إليه / لِيَعْلَمُوا: فعل مضارع، جمع مذکر غائب، معلوم، ثلاثی مجرد مصدرش عَلِمَ / عَلِمَ يَعْلَمُ اعْلَمَ عَلِمًا / «لِ» در اینجا به صورت «تا» ترجمه می شود چون قبل آن کاری صورت گرفته و این «لِ» علت آن را بیان می کند. «لِ» + مضارع ← تا، برای اینکه + مضارع التزامی، تا بدانند / كَيْفَ: اسم استفهام (پرسشی) يُمْكِنُ: فعل مضارع، مفرد مذکر غائب، معلوم، ثلاثی مزید مصدرش إِمْكَان / أَمْكِنَ يُمْكِنُ أَمْكِنَ إِمْكَانًا / لَهُمْ: جار و مجرور دقت کنید اگر حرف جر «لِ» بر سر ضمیرهای «ه، ها، هُما، هُم، هُنَّ، ك، كِ، كَمَا، كُمْ، كُنَّ، نا» بیاید تبدیل به «لِ» می شود به جز ضمیر «ي» که به صورت «لِی» نوشته و خوانده می شود / أَنْ يَنْجَحُوا: فعل مضارع، جمع مذکر غائب، معلوم، ثلاثی مجرد مصدرش نَجَحَ / نَجَحَ يَنْجَحُ أَنْجَحَ نَجَاحًا / أَنْ + مضارع ← که + مضارع التزامی، که موفق شوند / فعل نَجَحَ به صورت موفق شد ترجمه شده است اما مجهول نیست چون حرف اول آن ضمه «ت» ندارد، فعل مجهول عین الفعل آن باید کسره داشته باشد و تمامی حروف حرکت دار قبل آن باید ضمه داشته باشد که اینجا ندارد / دقت کنید گرچه ترجمه فعل ماضی مجهول به صورت «شد» و مضارع مجهول به صورت «می شود» می باشد اما هر فعلی که با «شد» و «می شود»، ترجمه شد مجهول نیست مانند انْفَتَحَ: باز شد (معلوم)، فُتِحَ: باز شد (مجهول) / فِي بَرَامِجٍ: جار و مجرور بَرَامِج مفردش بَرَامِج / هِمَّ: مضاف إليه / دقت کنید اگر ضمیرهای «ه، ها، هُما، هُم، هُنَّ» قبلشان کسره یا ساکن باشد به صورت «ه، هُما، هِم، هِنَّ» خوانده می شوند.

ذَهَبْتُ إِلَى الْمَتَجَرِّ لِأَشْتَرِيَ بَطَّارِيَةَ لِجَوَالِي. به مغازه رفتم تا باتری برای تلفن همراهم بخرم.

ذَهَبْتُ: فعل ماضی، متکلم وحده، معلوم، ثلاثی مجرد مصدرش ذَهَبَ / ذَهَبَ يَذْهَبُ اذْهَبَ ذَهَابًا / إِلَى الْمَتَجَرِّ: جار و مجرور مَتَجَرِّ بر وزن مَفْعَل به معنی مغازه، اسم مکان / مَتَجَرِّ جَمْعُ مَتَاَجِرٍ / لِأَشْتَرِيَ: فعل مضارع، متکلم وحده، معلوم، ثلاثی مزید مصدرش اشْتَرَاءُ / اشْتَرَى اشْتَرَى يَشْتَرِي اشْتَرَى اشْتَرَاءً / «لِ» بر سر مضارع آمده و قبلش کاری انجام گرفته و آخر فعل مضارع هم فتحه «ت» گرفته پس «تا، برای اینکه» ترجمه می شود / بَطَّارِيَةَ: مفعول / بَطَّارِيَةَ: اسم، مفرد، مؤنث، نکره / بَطَّارِيَةَ جَمْعُ بَطَّارِيَاتٍ / جَوَالٍ: برونز قَعَال اسم مبالغه که دلالت بر وسیله می کند / جَوَالٍ جَمْعُ جَوَالَاتٍ

لِنَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. باید به خدا توکل کنیم.

لِنَتَوَكَّلْ: فعل مضارع، متکلم مع الغير، معلوم، ثلاثی مزید مصدرش تَوَكَّلَ / تَوَكَّلَ يَتَوَكَّلُ تَوَكَّلَ تَوَكَّلَ / «لِ» بر سرفعل مضارع اول جمله آمده و قبل آن کاری صورت نگرفته که «لِ» علت آن باشد و آخر فعل مضارع هم ساکن (مجزوم) «ت» شده است پس به صورت «باید»

ترجمه می شود. / عَلَى اللَّهِ: جار و مجرور

### قَالَ الْمُدِيرُ: إِنَّ الْإِمْتِحَانَ تَسَاعِدُ الطَّلَابَ لِتَعَلُّمِ دُرُوسِهِمْ فَلْيَعْلَمُوا ذَلِكَ وَعَلَيْهِمْ أَنْ لَا يَخَافُوا مِنْهَا.

مدیر گفت: آزمون ها دانش آموزان را برای یادگیری درس هایشان کمک می کند و باید این را بدانند و بر آنان لازم است که از آن نترسند.  
 قال: فعل ماضی، مفرد مذکر غائب، معلوم، ثلاثی مجر مصدرش قول/ قَالَ يَقُولُ قَوْلًا / الْمُدِيرُ: فاعل / مُدِير: اسم فاعل / کلمه هایی مانند: مُدِير، مُفِيد، مُعِين، مُقِيم، اسم فاعلند/ إِنَّ: حرف تأکید، در آیات و روایات ترجمه می شود اما در غیر آن ها تکیه کلام محسوب می شود و گاهی ترجمه نمی شود بنابراین باید در تست ها به دنبال غلط های دیگر باشیم / الْإِمْتِحَانَ: جمع مؤنث سالم مفردش الامتحان / تَسَاعِدُ: فعل مضارع، مفرد مؤنث غائب، معلوم، ثلاثی مزید مصدرش مُسَاعِدَةٌ / سَاعَدَ يَسَاعِدُ سَاعِدًا مُسَاعِدَةً / الطَّلَابُ: مفعول / طَلَّاب مفردش الطَّالِب، اسم فاعل / لِتَعَلُّمِ: جار و مجرور / لَ: حرف جرّ / تَعَلَّمَ: مجرور به حرف جرّ / دَقَّتْ کنید که «لَ» در اینجا بر سرفعل نیامده چون «تَعَلَّمَ» بر وزن تَفَعَّل مصدر است و تمامی مصدرها اسمند / «لَ» حرف جرّ بر سر اسم به معنی «برای» است / دُرُوس: مضاف إليه / هُمْ: مضاف إليه فليعلموا: ف: حرف / لِيَعْلَمُوا: فعل مضارع، جمع مذکر غائب، معلوم، ثلاثی مجرد مصدرش عَلِمَ / عَلِمَ يَعْلَمُ اعْلَمَ عَلِمًا / «لَ» به معنی «باید» است چون ۱- قبلش «فَ» آمده و حرف «لَ» ساکن شده است ۲- آخر فعل مضارع هم تغییر کرده است یعنی نونش حذف شده است پس لَ + مضارع ← باید + مضارع التزامی، باید بدانند / ذَلِكَ: مفعول / ذَلِكَ: اسم اشاره به دور، مفرد، مذکر / عَلَيْهِمْ: جار و مجرور «عَلَيْهِمْ أَنْ» در اینجا مانند «عَلَيْكَ بِ» به صورت «بر آنها لازم است، باید» ترجمه می شود / أَنْ لَا يَخَافُوا: فعل مضارع، جمع مذکر غائب، معلوم، ثلاثی مجرد مصدرش خَوْف / خَافَ يَخَافُ خَوْفًا / دَقَّتْ کنید معمولاً اگر بعد از «أَنْ»، «كَيْ»، «لِكَيْ»، «حَتَّى»، «لَ»، «لَا» بیاید «لَا يَنْفِي» است نه نهی و فعل بعد آن به صورت «مضارع التزامی منفی» ترجمه می شود. مانند: أَنْ لَا يَخَافُوا: که نترسند / دَقَّتْ کنید عَلَيْهِمْ أَنْ لَا يَخَافُوا: ترجمه اش می شود بر آنان لازم است که نترسند یا آنان باید نترسند، ولی در ترجمه به فارسی می توانیم به صورت «آنان نباید نترسند» ترجمه کنیم، در تست ها هر دو درسته غلط نگیرید / خَافَ = خَشِيَ / مِنْهَا: جار و مجرور مِنْ: حرف جرّ / ها: مجرور به حرف جرّ

### شناخت انواع «لا» و ترجمه آن ها

تاکنون با معنای سه نوع «لا» آشنا شدیم: ۱- لای جواب ۲- لای نفی ۳- لای نهی

۱- لای جواب: «لا» بی است که به صورت «نه» ترجمه می شود و در جواب سؤال «هَلُّ» و «أَ» می آید.

مانند: هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ حَتَّى الْآنَ؟ لا، مَعَ الْأَسْفِ. (عربی دهم ص ۴) آیا تاکنون به ایران سفر کرده ای؟ نه، متأسفانه.

هَلْ حَضَرْتِكَ مِنَ الْعِرَاقِ؟ لا، أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ. (عربی دهم ص ۱۶) آیا حضرتعالی اهل عراق هستی؟ نه، من اهل کویتم.

۲- لای نفی: «لا» بی است که بر سرفعل مضارع می آید و آن را منفی می کند. (عربی هشتم ص ۶۷)

أَنَا لَا أَكْذِبُ. من دروغ نمی گویم. / لِمَاذَا لَا تَكْتُبِينَ وَاجِبَاتِكِ؟ چرا تکالیفت را نمی نویسی؟

نکته: دَقَّتْ کنید «لا» بی نفی در آخر فعل مضارع هیچ تغییری ایجاد نمی کند، فقط معنی آن را «منفی» می کند.

۳- «لا» ی نهی: «لا» بی است که بر سر فعل مضارع می آید و در معنا و ظاهر آن تغییر ایجاد می کند.

الف - تغییر در معنا

۱- معادل فعل نهی فارسی: «لا» ی نهی + مضارع دوم شخص ← معادل فعل نهی فارسی (عربی نهم ص ۵۳ و ۶۵)

مانند: لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ. آنچه را نمی دانی نگو. / لَا تَتَابَرُزُوا بِالْأَلْقَابِ. به یکدیگر لقب های زشت ندهید.

## ۲- معادل مضارع التزامی فارسی

«لا»ی نهی + فعل مضارع اول و سوم شخص ← نباید + معادل مضارع التزامی فارسی (عربی ۱۱ ص ۶۹)

لَا يَغْتَبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا. نباید بعضی از شما غیبت بعضی را کند.

الطُّلُبُ لَا يُجَالِسُوا الْأَشْرَارَ. دانش آموزان نباید با بدان همنشینی کنند.

ب- تغییر در ظاهر: اگر «لا»ی نهی بر سر فعل مضارع بیاید آخر آن را ساکن «ـَ» و نون آخر را حذف می کند به جز

جمع های مؤنث. (يَفْعَلْنَ وَ تَفْعَلْنَ)

**نکته:** «لا» پس از «منادا» و فعل «قال» معمولا، «لا»ی نهی است.

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. ای پروردگارا! ما را با گروه ظالم قرار نده.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ! لَا تَكْشِفَنَّ عَيْبَ أَصْدِقَائِكَ. ای خواهرانم، عیب های دوستانتان را آشکار نکنید.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ. خداوند بلندمرتبه فرمود: به این درخت نزدیک نشوید. (عربی نهم ص ۶۷)